

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنگه بگو که هستی؟

(۲۴) طَى الْأَرْضِ

پرسیدم:

- کی به آسمان سفر خواهیم کرد؟

فرمود:

- پیش از هر سفر، مسافر باید در مورد مبدأ و مقصد و مسیر سفر و وسیله نقلیه و توشه راه و غیره اطلاعات

دقیقی داشته باشد.

به همین دلیل، در رابطه با سفر به آسمان، ذکر چند نکته بسیار مهم درباره پدیده های زمینی و آسمانی،

بخصوص ویژگی های زمان و مکان در ساحات آسمان، بسیار ضروری است.

افزود:

- پدیده های زمینی و آسمانی متناظراند، به این معنا که آن چه در زمین می بینیم صورتی در آسمان دارد و نیز آن چه در زمین روی می دهد متناظر با رویدادی آسمانی است.

علاوه بر این

اگر سمت نگاهمان از زمین به سوی آسمان باشد، همه پدیده های متناظر با پدیده های زمینی، مرحله به مرحله و ساحت به ساحت، در آسمان، مرز های شناخته شده زمینی شان را از دست می دهند. چیز هایی که در زمین جدا از هم به نظر می رسند، مرحله به مرحله و ساحت به ساحت، در آسمان به هم می پیوندند و یکی می شوند و به صورت یک کل در می آیند.

مثلاً

افراد جای خود را به امت ها می دهند و امت ها نیز در یک مفهوم کلی تر، مفهومی فراتر از مفهوم بشریت، حل می شوند.

و

سر انجام کل ها نیز موجودیت پیشین خود را از دست می دهند و به نوعی هستی بسیط تبدیل می شوند، و در عالی ترین مرحله، در یک هستی یکتا، فنا می گردند.

ادامه داد:

- زمان و مکان نیز دو پدیده اند، و آن چه که در مورد دیگر پدیده ها گفتیم، بر سر زمان و مکان هم

می آید؛

یعنی

زمان و مکان قابل تقسیم به اجزاء، به تدریج و مرحله به مرحله (ساحت به ساحت) به زمان کلی و مکان کلی و سپس به زمان و مکان بسیط تبدیل می شوند و سر انجام، همراه با فنای دیگر مظاهر و پدیده های هستی، زمان و مکان نیز معنای خود را از دست می دهند و نهایتاً از میان بر می خیزند.

پرسیدم:

- قرار بود بگویند که در آسمان چه بر سر علم و اراده و عمل می آید.

فرمود:

- به تعبیری خاص، همه موجودات، چه موجودات زمینی و چه آسمانی، علم و اراده و عمل دارند. منتها پدیده های آسمانی علم و اراده و عملشان بر هم منطبق اند؛ چون زمان در آن ساحت یا نیست و یا مفهومی متفاوت با مفهوم زمینی آن دارد.

از این رو ما ناگزیر هستیم از زبان زمینیان برای بیان علم و اراده و عمل پدیده های آسمانی استفاده کنیم. گفتم:

- لطفاً مثال بزنید.

فرمود:

- این که می گویند در بهشت، بهشتیان به محض آن که چیزی را بخواهند در اختیارشان خواهد بود، منظور این نیست که در کسری از ثانیه در اختیارشان قرار می گیرد؛ آن جا ثانیه ای نیست تا کسری داشته باشد.

و

اگر گاهی بین زمان در زمین با زمان در آسمان مقایسه‌هایی صورت می‌گیرد، صرفاً از باب بیان پدیده‌های آسمانی با زبان زمینیان است.

مثلاً وقتی به ما گفته می‌شود که

بهشتیان جاودان در بهشت می‌مانند،

هر روز در آن جا معادل پنجاه هزار سال در این جاست،

و یا

کسانی که بعد از میلیارد ها سال از گور بر می‌خیزند می‌پندارند که اندکی از یک روز را در خواب بوده

اند

باید همواره به خاطر داشته باشیم که

همه این نوع گفته‌ها برای بیان این حقیقت به زبان زمینیان است که زمان در آن جا، به صورت دیگری از

زمان تبدیل شده و یا به کلی از میان رفته است.

پرسیدم:

- علم و اراده و عمل خداوند چه؟

فرمود:

- به تکرار می‌گویم که در هر لایه از آسمان، زمان صورت و حالت جدیدی به خود می‌گیرد و در عالی‌ترین

ساحت آسمان به کلی از میان بر می‌خیزد.

در اوج آسمان ها، که ساحتِ اسماء و صفات الهی است ، مفهومِ زمان کاملاً از بین می رود و بی معنا می شود.

در آن ساحت همهٔ این اسماء و صفات نام هایی برای یک حقیقت اند.
علم و اراده و عمل خداوند نیز یکی هستند؛ سه نام برای یک حقیقت اند.
ارادهٔ خداوند همان علم "او" است؛ و علم و اراده و عمل "او" ، نه همزمان، بلکه سه جلوه از یک حقیقت اند.
و این سه در کلمات "او" مُتجلی می شوند،

کلامِ خداوند هم علم "او" ، هم ارادهٔ "او" ، و هم عمل "او" را به یک باره می نمایاند.

ارادهٔ "او" عینِ علمِ "او" است، و عملِ "او" تحققِ آنیِ ارادهٔ "او" است.

لذا، به مَجَرَدِ آن که "او" ارادهٔ آفریدن یا تغییر چیزی را می کند، می فرماید "بشو" و آن چیز بی درنگ "می شود".

چون در ساحتِ الهی، زمان ی در کار نیست تا بین اراده و عمل "او" فاصله بیندازد.

ادامه داد:

- ضمناً، در آسمان، عالم بی عمل نمی تواند وجود داشته باشد. چون علم و اراده و عمل یکی هستند.
هرگونه شناختِ راستین چه دربارهٔ خداوند و اولیای "او" و چه دربارهٔ راهِ رفتن به سوی "او"، نیز از جنس آگاهی های آسمانی اند؛ پس شناسنده نمی تواند "او" را بشناسد و به سوی "او" نرود.
هر آگاهی آسمانی، دارندهٔ آن را مَتَحَوِّل می کند؛ حتی اگر آن کس هنوز در زمین ساکن باشد.

گفتم:

- ولی بسیاری کسانی که ادعا می کنند که از علوم آسمانی برخوردار شده اند ولی همچنان شیوه زندگی قبلی شان در زمین را بی تغییر ادامه می دهند.

فرمود:

- آن ها یا دچار **وهم** و **خودفریبی** شده اند و یا **فریب** کارند.

افزود:

- ضمناً شخص آگاه به حقایق، در مقایسه با فرد مطلع از واقعیت ها، یک شبهه ره صد ساله می رود. چون به زبان زمینیان یک شب در ساحت حقایق، معادل **صد سال** در زمین (وادی واقعیت ها) است.

شب قدر شب اعطای آگاهی های حقیقی است. سحرگاهی است که در آن **ظلمت نادانی** جای خود را به **نور دانایی** می دهد.

این گفته که **شب قدر بهتر از هزار ماه است** نیز به همین حقیقت درباره تفاوت مفهوم زمان در زمین و آسمان اشاره دارد.

گفتم:

- آن چه گفتید مربوط به پدیده زمان بود؛ **آن جا چه بر سر مکان** می آید؟

فرمود:

- پدیده های مرتبط با **مکان** نیز برای آسمانیان چنین **سرنوشت** ی دارند؛

در **آن جا** هم، مسافت ها در هم نوردیده می شوند و فاصله های مکانی از میان می روند بی آن که به پدیده زمان **گره** بخورند.

یک تجلی زمینی از این امر **طی الارض** است:

پیمودن مسافتی عظیم در مدت زمانی بسیار کوتاه. به بیان دیگر با سرعتی باور نکردنی.

پرسیدم:

- در این میان سرعت چه نقشی دارد؟

فرمود:

- می دانید که سرعت مسافتی است که یک موجود در حال حرکت در مدت زمان مشخص طی می کند، پس مفهوم سرعت، حلقهٔ رابط بین دو مفهوم زمان و مکان است.

ادامه داد:

- گرچه، در چشم زمینیان، در یک نگاه سطحی نگر، زمان و مکان دو مفهوم جدا از هم تلقی می شوند، اما در یک نگاه از منظر بالاتر، حتی در زمین نیز، این دو در هم تنیده شده اند و ارتباط ناگسستنی خاصی با یکدیگر و نیز با مفهوم سرعت دارند.

حتی در زمین، دست یافتن به سرعتی بالاتر از سرعت نور زمینی، و رفتن به آن سوی پرده نور، معادلات زمان و مکان را به هم می ریزد. چه رسد به رسیدن به افق (مرز بین ملک و ملکوت)، عبور از آن، و رفتن به آسمان.

افزود:

- دربارهٔ ماهیت زمان و مکان و عجین بودن آن ها با یکدیگر، و نیز ارتباطشان با دو مفهوم سرعت و حرکت، و دگرگون شدن آن ها در ساحت های همپوش هستی، گفتنی بسیار است.

ادامه دارد